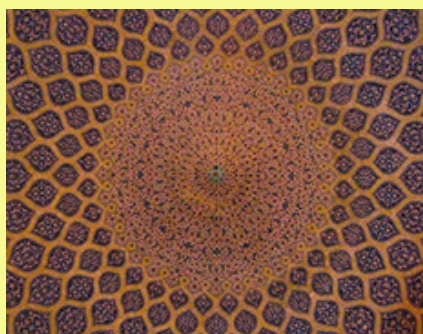




تصویر: مسجد شیخ لطف الله، اصفهان

یگانگی: ماهیت تمدن جهانی^۱

لیولین وان - لی *

مقدمه مترجم

تا کنون همایش های متعددی با شرکت صدها نماینده از ادیان مختلف دنیا در ایران و جهان پیرامون موضوع دین و محیط زیست و طبیعت برگزار شده است.^۲ در این نشست ها بر تکلیف پیروان جمیع ادیان بر پرهیز از تخریب محیط زیست و کمک به بازسازی و احیای طبیعت صحه گذاشته شده است. همانطور که مقاله زیر نشان می دهد، برخی از موحدین دنیا، نقش آفرینی در مراقبت و محافظت از طبیعت و محیط زیست را نه تنها تکلیفی دینی، بلکه راهی برای دستیابی به تجربه قدسی می دانند. انسانی که خالصانه در مسیر حفظ طبیعت، که تجلی خداوند تبارک و تعالی است، گام بر می دارد عملا پی می برد که در این فعالیت ها، علاوه بر صمیمت و همبستگی اجتماعی، نوعی تزکیه نفس، تعدیل امیال و هوس های نفسانی و نهایتا درک عمیق یگانگی و تقدس حیات نهفته است. بی شک، مقالات بسیاری نظیر این که به قلم مسلمانان اهل معرفت جهان برای مخاطبین غیر مسلمان در غرب نگاشته شده است، از جمله عوامل مؤثر در ترویج جهانبینی توحیدی در میان دانشمندان علوم مختلف و فعالان توسعه محلی در جهان بوده است.^۳ نکته مهم دیگر اینکه، مؤلف به صراحت دغدغه مندی انسانِ موحد و خدا جو برای جامعه و طبیعت را از ملزومات کلیدی فعلیت بخشیدن به معارف دینی می داند و بدینوسیله مرز بین عرفان حقیقی و مکاتب شبه عرفانی امروز را روشن می سازد.

یگانگی ساده است؛ یگانگی یعنی همه چیز با هم. هر خنده، هر گریه، هر کودک در حال بازی و هر سرباز خسته از جنگ و خونریزی، همه و همه، بخشی از یگانگی عالم است. چیزی را نمی توان خارج

^۱ این نوشته ترجمه متن زیر است:

Llewellyn Vaughan-Lee. 2005. Oneness: The Nature of Global Civilization. *Kosmos*, Spring/Summer.

^۲ جهت نمونه، لیستی از کتاب های منتشر شده از چندی از این همایش ها در بخش کتابشناسی آورده شده است.

^۳ اسفندیار عباسی. ۱۳۹۴. از وابستگی به پیوستگی: جهانبینی توحیدی، نوآوری در علم و فناوری مناسب، اقتصاد مقاومتی. (دسترسی

۱۹ مهر ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_sciwisapptech.pdf

از این وحدت پنداشت. هیچ چیز جدا و مستقل نیست. هر فکر و هر رویا به هر فکر و رویای دیگر مرتبط است. هر جزئی را که خارج از این یگانگی قرار دهیم، کل هستی را منکر شده ایم.

این یگانگی در همه جا و در همه اوقات صدق می کند. وقتی شاعر انگلیسی «ویلیام بلیک» از دیدن «جهانی در ذره ای از شن» سخن می گوید، او از استعاره و تشبیه شاعرانه استفاده نمی کند، بلکه به حقیقتی ساده اما ژرف اشاره دارد.^۴ همه چیز، هر سلول از آفرینش، شامل وحدتی است که بر کل عالم حکمفرماست. ما هم بخشی از این وحدت و در عین حال کل این وحدت ایم.

وقتی ما، حتی برای لحظه ای کوتاه، پا از دوگانگی بیرون و به یگانگی حضور قدم می گذاریم، تصویری بسیار متفاوت از هستی رخ می نماید. در این تصویر جدید، نور و تاریکی، نیک و بد، خنده و گریه، هنوز با هم متفاوت اند اما با هم در پیوندند. ما هم به هم پیوسته ایم و اگر چه هر یک از ما دارای هویت و حیات فردی است، اما چیزی هست که همه چیز را دربرمی گیرد - که در عین حال «همه چیز» است. این همه چیز یگانه خود حیات است. متأسفانه، در عصر حاضر، دو گانگی در ضمیر ما چیره شده و زندگی ای آکنده از جدایی را به وجود آورده. ما از یکدیگر جدا افتاده ایم، و با نتایجی به مراتب ویرانگرتر، از کره زمین و از ضرب آهنگ های طبیعی آن فاصله گرفته ایم. این جدایی به ما اجازه داده که سیاره ای که در آن زندگی می کنیم را تاراج کنیم. ما نیاز داریم که یگانگی حیات را مجددا دریابیم، پیش از اینکه جهان از درد جدایی بمیرد.

ما این حقیقت را می دانیم. ما می دانیم که باید به عصر مسئولیت پذیری جهانی قدم بگذاریم و پیوستگی کل حیات را اذعان کنیم. علم امروز، پیوستگی و ارتباط جزء جزء حیات روی زمین و اینکه ما انسان ها نیز جزئی از تعادل شکننده آن ایم را به اثبات رسانده است. تکنولوژی هم ابزار دستیابی به این آگاهی و شعور جهانی را به ما داده است: ماهواره ها، شبکه های تلفن همراه و اینترنت. اما، این ابزار جهانی ارتباطات، بیشتر توسط شرکت های بزرگ صنعتی برای ترویج فرهنگ زیاده خواهی و مادیگرایی مورد استفاده قرار گرفته و تخریب زمین را به امری جهانی و همه جایی تبدیل کرده است.^۵

^۴ William Blake شاعر و نقاش قرن ۱۸ و ۱۹ انگلیسی. شعر بالا بدینصورت ادامه می یابد: «دیدن جهانی در ذره ای از شن،

رویت بهشت در ساحت گلی وحشی، بی کرانگی در کف یک دست، جاودانگی طی یک ساعت.»

^۵ اطلاعات بیشتر در مورد نقش این شرکت ها در ترویج فرهنگ جدایی، زیاده خواهی و رقابت در نوشته زیر آمده است:

اسفندیار عباسی. ۱۳۹۴. تحقق اقتصاد مقاومتی در دیگر جوامع، چرا و چگونه. (دسترسی ۱۷ مهر ۱۳۹۴)

پس نه تنها علم به یگانگی حیات به ما داده شده، ابزار زیستن بر اساس این یگانگی هم برای ما فراهم شده است. اما ما این هدایا را به غیر واگذار کرده ایم و اجازه داده ایم که این نیروهای عظیم آگاهی جهانی توسط عواملی که کمر به تخریب حیات بسته اند مورد استفاده قرار گیرند. آیا این سرنوشت ماست؟ چه چیزی موجب می شود که ما خود را از ثمرات یگانگی محروم کنیم؟ شاید ما از این خوف داریم که پذیرفتن قلبی این آگاهی، الزام پذیرش مسئولیت هایی را نیز در پی دارد. واقعا چه احساسی خواهد داشت اگر ما زندگی را طوری تجربه کنیم که انگار تماما متعلق به خود ما نیست، بلکه ما فقط بخشی از یک کلیت بسیار بزرگتریم، چیزی وسیع، مهیب و در عین حال زیبا که ما هیچ کنترلی بر آن نداریم و فقط می توانیم با حیرت و تحسین به آن بنگریم؟ این دغدغه ها ریشه در باورِ وهمی کنونی ما دارد که می پنداریم از دیگر اجزاء طبیعت جداییم و بر آن برتری داریم. تنها مانع بین ما و امکان بهره گیری از قدرت و تاثیر عظیم یگانگی همین باورِ وهمی است. همکاری انسان ها با یکدیگر که به نفع کل حیات است در گرو فایق آمدن بر این مانع وهمی است.

خروج از عصر جدایی و گام نهادن در عصر یگانگی می طلبد که ما استقلالِ وهمی و میل به کنترل سرنوشتِ خودمان را رها کنیم. چنین کاری اقتضا می کند که ما برخی از ارزش هایی که برای نفس ما مهم شده است را تسلیم کنیم. به بیان دیگر، ما باید بتوانیم از برخی از منافع شخصی و باورهایی که برای حفاظت از نفس در برابر غیر پیدا کرده ایم عبور کنیم. آیا این گامی است که از برداشتن آن اکراه داریم؟ پیشترها، باورها و ارزش های دینی به ما در فرآیند گذشت از تعلقات فردی کمک می کرد. این باورها و ارزش ها متعلق به باور قدسی یگانگی حیات اند. اما متأسفانه، تعلیمات و آموزه های دینی در عصر ما نیز در خدمت نفس درآمده است. به جای کمک به افراد برای عبور از خواسته ها و امیال نفسانی، تنها هدف این تعلیمات، هدایتِ شخص به «خود کامی»^۶ و «یادگیریِ خود-محور»^۷ قرار گرفته است.

این در صورتی است که منفعت طلبی و زیاده خواهی های فردی ما نه تنها به آلودگی جهان خارج انجامیده بلکه چشم درونی ما را نیز کدر ساخته است. برای توقفِ آلودگی جهانِ درون و برون و بهره گیری مؤثر و آگاهانه از هدایایی که یگانگی به ما داده، ما باید به باطن خود رجوع کنیم، به همان

جایی که درک عمیق یگانگی هستی میسر است. بهبود شرایط زندگی در جوامع و نوزایی و شکوفایی طبیعت، از جمله ثمرات این درک درونی یگانگی بین انسان ها و طبیعت خواهد بود. در این تلاش معنوی و اجتماعی، پی خواهیم برد که حیات، خود به ما نشان خواهد داد که راه و روش یگانگی به چه صورت است. از او خواهیم آموخت که چگونه با سایر اجزاء آفرینش همزیستی کنیم به صورتی که این همکاری، همگان را از مواهب مادی و معنوی برخوردار کند. از این طریق بشریت و فرهنگ های مختلف آن بار دیگر به طبیعت می پیوندند، یعنی به همان چیزی که خود تجلی ذات خداوند یگانه است.

نشانه های آغازین این تولد جدید دور تا دور ما خودنمایی می کند اما از فرط پیدایی غایب است. پیدایش روش های گوناگونی که مردم در جهان با هم تبادل نظر می کنند یکی از این نشانه هاست. شبکه جهانی اینترنت اساسی ترین ابزار برای جمع گرایی نسل بشر امروز است که موانعی چون بُعد مسافت و تفاوت های نژادی، قومی و ملی را مرتفع کرده است. مردم از نقاط دور و نزدیک قادرند افرادی که دارای علایق مشابه اند را شناسایی و تجارب و دانسته های خود را به اشتراک گذارند. این شبکه های مردمی کاملاً خود جوش اند و فارغ از کنترل هر گونه سلسله مراتب بوروکراتیک به مشورت با هم ادامه می دهند. این شبکه ها متعلق به خود حیات اند.

تجارت، مسافرت، شبکه های تلفنی، همایش ها و دیگر فرصت های تماس بین انسان ها، به هم گرایی و تبادل نظر بین مردم در سطح بین المللی افزوده است. و این تماس ها در جمیع سطوح در حال رخداد است. مثلاً گفتگوی بین ادیان و سنت های معنوی، یکی از مهم ترین سطوح ارتباط فرهنگ ها با هم بوده است. در سطحی عمیق تر، مهاجرت و جابجایی اینگونه سنت ها و آئین ها از شرق به غرب شرایطی برای تولد نوری معرفتی به وجود آورده است که «نه شرقی است و نه غربی».

همچنین در جهان پیرامون ما دیده می شود که مردم راه های جدید و متنوعی برای همکاری و همزیستی با یکدیگر ابداع کرده اند. اگر چه ساز و کار این راهکارهای جدید هنوز در سطح عام شناخته شده نیست، اما این نمونه های آزمایشی و بدیع از جوامع انسانی، راه حل هایی ساده اما قدرتمند برای حل برخی از پیچیده ترین مسائل روز دنیا ارائه کرده اند که خود نشانگر استعداد عظیم بهره گیری از همفکری و همکاری مردم با هم است. این همکاری ها صرفاً برای تبادل آگاهی و

اطلاعات نیست، بلکه پایه و اساس روابط اجتماعیِ جدیدی بین افراد و گروه ها را بنیان نهاده است.^۸ این تحولات عظیم و گسترده شکی باقی نمی گذارد که چیزِ جدیدی در جهان در حال زاده شدن است.

در این الگوهای جدید اجتماعی و ارتباطی، نیرویی جدید از حیات ساری و جاری است. این نیروی حیاتی با شتاب و فوریتی همراه است که بشریت و سیاره زمین برای تغییر و ادامهٔ حیات در این برهه بحرانی واقعا به آن نیازمند است. این نیرو همچنین دارای قدرتِ یگانگی است. این تحول که بارزترین ویژگی آن گردهم آمدن مردم به شکل های مختلف است، بیش از آنکه متوجه تملک و منفعت طلبی شخصی باشد، در پی مشارکت جویی و به اشتراک گذاشتن است. این حرکت جهانی حاوی نشاط و حظ عمیقی است که آگاهی از یگانگی با خود می آورد. یقیناً این هم گرایی مردم از فرهنگ های مختلف حاوی پیرایه ای از یگانگی قدسی است.

با این وصف، تعلق خاطر به منافع شخصی هنوز پابرجاست و مانعی جدی برای انتخابِ راهی است که یگانگی فراوی ما قرار داده است. اگر ما به فردگرایی و چشم انداز شخصی خود بچسبیم، مانند همان کسانی عمل کرده ایم که در قرون گذشته حاضر نبودند بپذیرند که کره زمین مرکز عالم هستی نیست، همان کسانی که کپرنیک و گالیله را تکفیر کردند. تمدن جهانی ای که در حال شکوفایی است برای کل جهان است و متعلق به ذاتی قدسی است که این عالم تجلی گاه اوست. و تا وقتی که ما از این حقیقت آشکار اما هنوز دور از ذهن غافل بمانیم، قوا و ابزار یگانگی را به همان زیاده خواهی ها و منافع شخصی می سپاریم که در حال ویرانی ماست. ما باید به مبدأ باز گردیم. ما انسان ها، به عنوان موجودات آگاه از یگانگی قدسی، مسئولیم که این حقیقت را به حیات آوریم. تنها از این طریق تمدنی جهانی، پویا و زنده، قابل دستیابی است.

^۸ اشارهٔ مؤلف در اینجا به ظهور بیسابقه و گسترش سریع جوامع سالم در نقاط شهری و روستایی جهان است. این جوامع که خود را با نام هایی چون «اکو ویلج»، «روستای سالم»، «محله سالم» و «شهرهای در حال گذار» معرفی می کنند، با گردهم آمدن جمعی از جوانان و دانش آموختگان آگاه و متعهد جهان به وجود آمده اند. این جوامع کوچک و خودجوش می کوشند تا الگوهایی عملی برای همزیستی انسان ها با یکدیگر و با طبیعت، بدور از خشونت و تخریب، را به وجود آورند. اطلاعات بیشتر در مورد این جوامع، که یکی از ملزومات رسیدن به اهداف خود را برقراری اقتصاد مقاومتی می دانند، در منبع ذکر شده در پاورقی ۵ آمده است.

یادداشتی از مؤلف

برای یک عارف، یگانگی هستی یک مفهوم ذهنی نیست بلکه حقیقتی تجربی است. جدایی، سرابی است غیرواقعی، ساخته و پرداخته نفس آدمی. وقتی نفس آدمی تسلیم «خودِ راستین» می شود، این سراب برچیده می گردد. آنچه باقی می ماند خداست و درک عمیق این حقیقت که حیات چیزی نیست جز تجلی ذات اقدس او. وقتی چشم دل گشوده می شود، یگانگی حیات مستقیماً دیده می شود. نقش عارف این است که در هر نفس، با این یگانگی زندگی کند و حضور خداوند را در هر چیز به نظاره بنشیند.

آگاهی ما از یگانگی حیات به ما امکان می دهد که با حیات همانطور که واقعا هست زندگی کنیم و نه با سرابی که ذهن و نفس برای ما می سازد. اگر عصر بعدی زندگی بشر بر کره ارض مبتنی بر بیداری معنوی نباشد، ما مجدداً سراب دیگری برای خود خواهیم ساخت، سرابی که در آن به تعقیب مجموعه دیگری از سایه ها مشغول خواهیم بود. اگر خداوند را، در دلهایمان و در جهان خارج، به مرکز توجهمان برنگردانیم، هیچ چیز واقعی هرگز متولد نخواهد شد. وظیفه عارف این است که این آگاهی حقیقی را برای بشریت متذکر شود - به نقل از ابن عربی، وظیفه عارف این است که «مردمک چشم بشریت» باشد.

کتابشناسی

- سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۷۸. مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست. تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.

- سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۸۰. مجموعه مقالات همایش بین المللی محیط زیست دین و فرهنگ. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

- Mary Evelyn Tucker and Duncan Ryûken Williams, eds. 1997. *Buddhism and Ecology: The Interconnection of Dharma and Deeds*. Cambridge: Harvard University Press.
- Dieter T. Hessel and Rosemary Radford Ruether, eds. 2000. *Christianity and Ecology: Seeking the Well-Being of Earth and Humans*. Cambridge: Harvard University Press.
- Mary Evelyn Tucker and John Berthrong, eds. 1998. *Confucianism and Ecology: The Interrelation of Heaven, Earth, and Humans*. Cambridge: Harvard University Press.
- N. J. Girardot, James Miller, and Liu Xiaogan, eds. 2001. *Daoism and Ecology: Ways within a Cosmic Landscape*. Cambridge: Harvard University Press.
- Christopher Key Chapple and Mary Evelyn Tucker, eds. 2000. *Hinduism and Ecology: Intersection of Earth, Sky and Water*. Cambridge: Harvard University Press.

- John A. Grim, ed. 2001. *Indigenous Traditions and Ecology: The Interbeing of Cosmology and Community*. Cambridge: Harvard University Press.
- Richard C. Foltz, Frederick M. Denny, and Azizan Baharuddin, eds. 2003. *Islam and Ecology: A Bestowed Trust*. Cambridge: Harvard University Press.
- Christopher Key Chapple, ed. 2002. *Jainism and Ecology: Nonviolence in the Web of Life*. Cambridge: Harvard University Press.
- N Hava Tirosh-Samuelson, ed. 2002. *Judaism and Ecology: Created World and Revealed Word*. Cambridge: Harvard University Press.
- Llewellyn Vaughan-Lee. 2002. *Working with Oneness*. Inverness, CA: Golden Sufi Center.
- _____. 2003. *Light of Oneness*. Inverness, CA: Golden Sufi Center.
- _____. 2007. *Alchemy of Light : Working with the Primal Energies of Life*. Inverness, CA: Golden Sufi Center.

* لیولین وان - لی، مدرس معارف اسلامی و نویسنده انگلیسی تبار است. در سال های اخیر، تمرکز آموزش ها و نوشته های وی بر تبیین مسئولیت پیروان ادیان در نقش آفرینی بیشتر در رویارویی با مسائل حادی است که ادامه حیات بشر و حیات بر روی کره زمین را تهدید می کند. تا کنون بیش از ۴۰ اثر از وی منتشر شده است. این آثار شامل عناوینی چون «همکاری با احدیت»، «نور احدیت» و «کیمیای نور» است.

www.eabbassi.ir